حمله آقای دکتر مصدق

دیده شد که باز باندازهء سه چهار صفحه زیاد است.مجبور شدیم که قسمتهای جدیدی‏ را حذف کنیم تا بقیه در 18 صفحه محدود بگنجد.باین لحاظ خیلی از عرض و طول‏ آنها کم شد بدون اینکه چندان از حجم معنوی آنها کاسته شود.در حقیقت اکر در کمیّت آنها نقصانی راه یافت در کیفیتشان خللی روی نداد.دیکر اینکه در تمام این‏ حذفها که شده نظر بیطرفی داشته‏ایم و سعی کردیم که قسمتهای حذف شده در نطقهای‏ مبارزین سیاسی از تمام جهات بیک نسبت باشد.اگر باوجوداین در کار ما قصوری شده‏ باشد نیّت ما بیطرفی کامل بوده است.البته در این قضایا از حیث عقیده بی‏طرف نیستیم، ولی در نقل نطقهای ناطقتین رعایت بیطرفی کامل را لازم دانستیم و عقاید خود را جداگانه‏ موقع مناسبتری بیان خواهیم کرد.(د.ا.)

حملهء آقای دکتر مصدق

پروگران‏ و کابینه

بنده هیچ نمیخواستم که روزی در مقابل پروگرام‏ کابینه حضرت آقای مستوفی الممالک ذره‏ای مخالفت نمایم‏ ولی متأسفانه تشکیل یان کابینه از ابتدا طوری شده است‏ که بنده با آن موافق نبودم و اکنون هم در پروگرام‏ آن نمیتوانم موافقت نمای.پروگرام یعنی تعیین خط مشی،پروگرام یعنی‏ پیش‏بینی امور مفید و ممکن الاجرا.هیچ پروگرامی قاعدتا بد نوشته نمیشود ولو اینکه پیش‏نهادکننده نیت خوب نداشته باشد بلکه معمولا پروگرام‏ها پر از مواد مشعشع و درخشان است لذا بنده به پروگرام چندان اهمیت‏ نمیدهم و در مجریان آن قصاوتا مینمایم.اگر پروگرامی عالی نباشد چنانچه‏ مجریان مواد آن متخصص و صلاحیت داشته باشند نتیجه فوق مطلوب‏ خواهد شد.برخلاف اگر پروگرامی از آن بهتر نباشد ولی مجریانش صلاحیت نداشته‏ باشند اجرای آن مفید واقع نمیشود و گاه برخلاف مطلوب نتیجه می‏بخشد

در ممالک خارجه هر وقت وضعیات فوق العاده است کابینه دولت‏ از اشخاص مختلف المسلک تشکیل میشود تا اینکه نظریات احزاب سیاسی‏ در یکجا مرکزیت یافته و بواسطهء اجتماع نمایندگان قواء مختلف اجرای‏ صروگرام سهل و مملکت از بحران‏های سیاسی نجات یابد ولی دیده نشده که کابینه از اشخاصی تشکیل شود ک بعضی به بقاء و تعالی مملکت عقیده‏مند بوده و بعضی‏ نباشند.معلوم نیست که در چنین کابینه مسئولیت مشترکه چگونه محفوظ و پروگرام چطور اجرا میشود کدام یک از این دو دسته نظریات دیگری را تعقیب‏ مینمایند.در جلسه قبل بنده میخواستم که عدم موافقت خود را نسبت به‏ دو نفر از اعضای این کابینه،آقای وثوق الدوله و آقای فروغی،عرض نمایم

آقای فروغی

آقای فروغی که بسمت وزارات جنک معرفی شدند مرتکب اعمالی شده‏اند که بعضی را در موقع عرض میکنم‏ و در این جلسه فقط بدو مراسله که مطابق اطلاعات من‏ بسفارت خانهای دول مجاری نوشته‏اند میپردازم.

اول مراسله‏ایست که بسفارت دولت شوروی نوشته و موافقت‏ خود را در قضاوت دعاوی اتباع آن دولت در ادارهء محاکمات وزارت خارجه‏ اظهار نموده و بعبارة اخری عهدنامهء ترکمن‏چای و برقراری کاپی‏تولاسیو را تجدید نموده است....(سفارت روس و آقای مستوفی بعدا تکذیب کردند-آینده)

دویم مکاتبه‏ایست که فروغی با سفارت انگلیس نموده و در آن قریب‏ بیست کرور تومان دعاوی آن دولت را نسبت به ایران تصدیق کرده است‏ حقیقت چقدر معامله خوبی است که بعضی برای اختناق و فروش ایران‏ پول بگیرند و آقای فروغی اصل را با فرع تصدیق نماید.اگر در سایر ممالک‏ وزیرها بهیچ سفارتی مکاتبه نمیکنند و بهیچ سفارتی سند نمیدهند مگر اینکه‏ بعد از تصویب مجلس باشد متأسفانه در این مملکت فروغی و امثالش اول‏ ممضی این قبیل نوشتجات میشوند تا بعد مجلس تصویب نماید بعبارة اخری‏ اول ریش دولت را بدست میدهند تا بعد ریش ملت هم بدست آید.

فروغی چون تصور مینمود که وزراء کابینه‏اش موافقت ننمایند مطابق اطلاعات من این نوشته‏جات را بدون اطلاع آنها صادر نموده‏ «چند نفر صحیح است»چنانچه غیر از این است آقایان نمایندگانی که در کابینه ایشان وزیر بوده و امروز در مجلس حاضرند تکذیب فرمایند.چی سبب است که فروعی تا ایندرجه در خیانت تجاهر نماید؟.....

فروغی را بعد از این اعمال در رأس قواء دفاعیه مملکت قرار میدهیم که با این‏ عقیده حافظ و مدافع مملکت باشد و در آتیه صلاح خود را در این رویه‏ و رفتار بداند و اگر دفعهء دیگری بریاست وزراء رسید آخرین چوب حراج‏ را زده باشد«یکی از وکلا-فروغی باید تسلیم‏دار مجازات شود»کما اینکه از اول‏ عصر جدید ایران تاکنون فروغی بواسطهء همین اوصاف ضرری ندیده و همیشه در کار بوده و بلکه گاهی هم مثل امروز غیر از وزارت یکی دو کار دیگر،ریاست دیوان تمیز و ریاست مدرسهء حقوق،را ذخیره نموده که اگر از مقام‏ وزارت کناره‏جوئی کرد باز مملکت از آثار وجودیه ایشان مستفیض شود!«صحیح‏ است».مکاتبات فروغی چون مخالف عهدنامه ایران و روس و برخلاف‏ قانون اساسی است بنده بآنها وقعی نمیگذارم«نمایندگان صحیح است» و کان لم یکن میدانم فقط از آقای رئیس الوزراء سئوال می‏نمایم که آیا آدم بیکار صحیح العمل وطن‏دوست در مملکت نیست که باید فروغی در مسافرت هم وزیر بوده و از حیثیات این مقام استفاده نموده و حقوق آن‏ را دریافت نماید؟آیا این رویه مشوق خیانت نیست و آیا این طریقه‏ وطن‏خواهان را مأیوس نمی‏نماید؟

آقای وثوق‏ و قرارداد

اما نسبت بآقای وثوق الدوله که در صدر قوه‏ قضائیه واقع شده‏اند بیمناسبت نیست عرض‏ کنم وقتیکه بنده در شیراز بودم روزی که‏ قونسول انگلیس برای امور اداری نزد من نشسته‏ بوده از آقا سید ضیاء الدین بیانیه‏ای رسید پرسید چه نوشته گفتم که‏ قرارداد را لغو کرده است خندید و گفت در انگلیس یک ضرب المثلی‏ است که میگویند گربه مرده را کسی چوب نمیزند قرارداد مرده بود و حاجت لغو کردن نبود......

شبی آقای مستوفی الممالک به من فرمودند عقیده آقای وثوق الدوله این است که قرارداد در صلاح مملکت بسته شده و حاضرند که در مجلس‏ از این عقیده دفاع نمایند.عرض کردم عقیدهء ملت ایران که خود حضرتعالی‏ هم یکی از افرا هستید غیر از این بود....... جون جزائیون معتقدند که اگر کسی چند فعل خلاف نمود باید او را برای فعلی تعقیب کرد که مجازاتش در قانون بیشتر باشد بنده به بزرگترین‏ خیانتی که ایشان مرتکب شده‏ان میپردازم که قرارداد است.قرارداد یعنی‏ تسلیط دولت مسیحی بر دولت مسلمان و بزبان وطن‏پرستی اسارت ملت‏ ایران....آقای وثوق الدوله برای اینکه تیرشان خطا نکند برخلاف‏ اصل 24 قانون اساسی«در این موقع حالت گریه بر ایشان دست داد» که میگوید«بستن عهدنامها و مقاوله‏نامها و اعطای امتیازات انحصار تجارتی و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه‏ باید تصویب مجلس شورای ملی برسد»قبل از تصویب مجلس قرارداد را اجرا نمودند و اجراء هر قراردادی قبل از تصویب برخلاف این اصل‏ است زیرا تصویب مجلس یک امر تشریفاتی نیست که در موضوع مؤثر نباشد لکه برای این است که مقاوله‏نامه‏های مضر را رد کند و اعتبار ندهد.پس هرگاه‏ یک قراردادی قبل از تصویب مجلس اجرا شد و مجلس آنرا رد نمود و خسارتی‏ متوجه طرف قرارداد شد جبران خسارت با کی است؟یا امضاکنندگان‏ قرارداد باید جبران کنند یا طرف قرارداد می‏تواند باعتبار امضای وزراء خسارت را از دولت بخواهد؟باین لحاظ هیچ قراردادی بدون تصویب‏ مجلس شورای ملی معتبر نیست و سندی هم که اعتبار ندارد نمیتوان آن را اجرا کرد.توضیحا عرض میکنم که فایده قرارداد انقدر محرز شده بود که حتی در آن تصویب مجلس را هم قید ننمودند و باز برای اینکه تیرشان کار گر شود بغصب حقوق ملت مبادرت کرده در انتخابات مداخله و عدهء از وکلاء مجلس را از نظر تصویب قرارداد تعیین نمودند.چقدر فرق است‏ بین سپهسالار و وثوق الدوله که از سپهسالار وقتی دولتین تقاضای برقراری کنترل نمودند با اینکه دارای معلومات وثوق الدوله نبود نوشته کنترل‏ را بنوشتن عبارت«بواسطه«فورس ماژر»امضا میکنم»و طی ننمودن مراحل‏ اداری طوری بی‏اثر کرد که از او صرف‏نظر کردند و برای تحصیل اسناد دست توسل بدامان وثوق الدوله دراز نمودند ولی آقای وسوق الدوله تمام‏ هوش و معلومات خود را صرف نمودند که یا چیزی بخارجه‏ها ندهند و یا اگر میدهند طوری شود که مؤثر باشد از روی این نظریه اقداماتی قبل از قرارداد و بعد از قرارداد فرمودند که برخلاف قانون و اخلاق و مصالح مملکت‏ بود.آقای وثوق الدوله در تمام ادوار زمامداری خود ضربه مهمی باخلاق‏ مملکت وارد نمودند.....آیا دستگیری 17 نفر از معترضین اعمال ایشان در مجلس روضه و در خانه خدا یعنی مسجد شیخ عبد الحسین و خارج و حبس‏ چندین ماهه آنها در محبس قزوین که مقصودشان تهدید جامعه برای زمینه‏ عقد قرارداد بود مخالف قانون نیست؟........

آیا پولهائی که برای دادن امتیازات و قرارداد به ایشان رسیده موجب‏ نیست که ایشان را بمجازات این مواد محکوم و از حق وکالت محروم نماید؟ آیا وثوق الدوله مشمول مادهء 72 نیست که میگوید«هرگاه شخصی با دول‏ خارجه یا مأمورین آنها داخل در اسباب چینی شود یا آنها را بخصومت یا جنک با دولت وادار نماید یا وسایل آنرا برای آنها فراهم آورد محکوم بحبس‏ دائم در قلاع خواهد گردید حکم مزبور مجرا خواهد بود ولو اینکه اسباب‏ چینی او مؤثر واقع نشود»؟

آیا مذاکرات(لاسنیک) qusua?L?i وزیر خارجه دول متحده امریکای‏ شمالی در پاریس به تاریخ 15 اوت 1919 که اینطور گفته«امریکا بیهوده‏ کوشش کرد که هیئت ایرانی در پاریس در انجمن صلح حضور بهم رساند و مطالب و مقاصد خود را اظهار نماید و حتی سعی نمایندگان ملیون ایرانی‏ هم در پاریس برای مذاکره بالرد کرزن بجائی نرسید در این اثنا سفیر انگلیس‏ چدر طهران با یک دسته کوچکی از سیاسیون یک عهدنامه مخفی بست این دسته کوچک سیاسیون فورا پس از عقد صلح اداره امور را بدست آورده بودند و هیئت ایرانی که در پاریس بود از کار افتاد و منحل شد خلاصه یک بازی‏ خطرناک و محرمانه درآورده شد»کاشف از اسباب چینی نیست؟بموجب این‏ مذاکرات دسته کوچک سیاسیون قرارداد را قبلا مخفیانه بسته‏اند ولی‏ چون زمینهء ابراز حاضر نبود آنرا در 9 اوت 1919 افشا نموده‏اند .....با اینکه آقای وثوق الدوله میدانستند اگر آبادی‏ مملکت بدست ملل دیگر برای اهل مملک مفید بود هر ملتی برای رفع‏ زحمت و جلب فایدهء که یکی از اصول مهمهء اقتصادی است اجنبی را بخانه‏اش‏ دعوت میکرد اگر رقیب خوب بود هیچ ملتی نمیخواست بعد از اسارت‏ با جنگهای خونین و تلفات سنگین طوق رقیب را رها نماید و با اینکه دیده‏اند اگر کسی ده خرابی را خرید و آباد کرد نسبت بمالکین سابق خوش‏بین‏ نیست و هیچوقت نمیخواهد که آنها بابی از ابواب شرایع را بخوانند و معنی‏ غبن را بدانند بلکه میل دارد همیشه در جهل بمانند و ادعائی ننمایند.....

\*\*\*

جهار دلیل بر رد قرارداد

یکی از دوستان آقای وثوق چند روز قبل به بنده میگفت‏ موقعیت مملکت در آنوقت ایشانرا بعقد قرارداد مجبور کرد زیرا در آن ایام قشون انگلیس قفقاز و بین النهرین را متصرف بود و حتی در خود ایران هم قشون دولت مزبور اقامت داشت لذا هرکس غیر از ایشان‏ بعقد قرارداد ناچار بود.بنده با 4 دلیل او را مجاب نمودم.اولا تصرفات‏ قشون انگلیس در بین النهرین و قفقاز یک تصرفات دائمی نبود و فقط از نظر پیش‏آمد جنگ بین المللی بود کمااینکه قشون دولت مزبور قفقاز را تخلیه کرد و رفت.ثانیا تصرفات یک دولتی در حدود مجاور و اقامت قشون او در داخله مملکت دلیل نیست که ما را تسلیم نماید. بواسطه ضعف و ناتوانی عملا ممکن است تسلیم شد ولی نوشته تسلیم را نباید امضاء کرد فرضا هم که مملکت دچار تهدید بود دائمی‏ نبود ایران در این عصر جدید خیلی دچار تهدید شده ولی استافمت‏ باعث نجات او گردیده است حرف شما مثل اینست که جمعی در کمین قتل‏ کسی باشند و او قبل از کشته شدن انتحار نماید.اگر کسی مقتول شد ورثه میتواند از قاتل دیه بخواهد ولی اگر کسی خود را کشت باید جهنم را طواف نماید.هر تصرفاتی که بی‏مدرک شد غاصبانه و جای حرف‏ اینکه بیکی از جهات قانونی بی‏اعتباری ملاک ثابت گردد.تشخیص حسن‏ سیادت و قبح اسارت چیزی نیست که معلومات عالیه بخواهد این مطلب‏ مثل الکل اعظم من الجزء از بدیهیات اولیه است و با اندک فهمی هرکسی‏ میداند که حکومت داشتن در یک ده خراب بهتر از اسارت در یک مملکت‏ آباد است.بنابراین هر ایرانی که دیانت‏مند است و هرکسی که شرافت‏مند است تا بتواند باید روی دو اصل از وطن خود دفاع کند و خود را تسلیم‏ هیچ قوهء ننماید که یکی از آن دو اصل اسلامیت است و دیگری وطن‏پرستی. ثالثا بنده نمیتوانم قبول کنم که آقای وثوق الدوله مجبور بود زیرا مادهء اول قرارداد در خصوص استقلال دولت ایران حاکی است که ایشان‏ با یک عبارات فریب دهنده خواسته‏اند طبقه عوام ملت را اغفال نمایند ولی‏ خوشبختانه زود معلوم شد ملتی که قشون و مالیه‏اش دست دیگریست استقلال‏ ندارد.رابعا بنده نمی‏توانم مجبوریت ایشان را تصدیق کنم زیرا شخصی‏ که پول گرفت راضی است و او را نمی‏توان مجبور دانست کمااینکه سپهسالار که پول‏ نگرفته بود قید«فورس ماژور»را در نوشته کنترل نمود مجبوریت خود را ثابت و نوشته را بی‏اعتبار کرد.در جواب من مستمع گفت ادله شما صحیح است خصوصا اینکه مسئله پول زبان ما را الکن می‏نماید....

\*\*\*

ای نمایندگان چشم ملت ایران سیاه شد بسکه از بعضی رجال‏ خطاکاری و خیانت دید و ای برگزیدگان همان چشم از انتظار سفید شد از بس محاکمه رجال وطن‏فروش را ندید.در مملکتی که مسؤلیت‏ وزراء نمودی بی‏بود و در مملکتی که اهلش این درجه فراموش‏ کاندر از خائنین خیانت به همه سرایت مینماید......

این دفعهء سوم است که آقای وثوق الدوله بواسطهء عملیاتشان از صحنه سیاست دور شده و باز پاک میشوند......

اشخاصی مثل آقای مستوفی الممالک مکلفند که اصل مجازات و مکافات را عملا رعایت کنند تا اینکه دست خائنین از کار کوتاه شده و دیگران بخدماتیکه‏ میکنند در آتیه امیدوار باشند.

اوضاع حاضره

ولی متأسفانه عدم رعایت این اصل‏ موجب تشویق خائنین و یأس خادمین خواهد شد خصوصا اینکمه وضعیات امروز با دورهء قرارداد طرف مناسبت نیست زیرا عناصر متنفذ مرعوب و عامه بفقر مبتلا گردیده‏اند حکومت نظامی و سانسور مطبوعات و آزاد نبودن اجتماعات که بهترین وسایل‏ اختناق است بخود صورت عادی گرفته و وسایل فقر و تنگدستی از هر جهت‏ فراهم گردیده است.چنانچه کسی از مرکز مملکت بخواهد باطراف نزدیک‏ برود باید چند روز برای اخذ جواز معطل باشد.قبل از تشکیل کابینه و مجلس که آقای رئیس الوزراء می‏فرمودند کار را فقط برای اجرای قانون‏ اساسی قبول میکنند بنده باتیه خیلی امیدوارم بودم ولی با کمال تأسف میبینم‏ که آنچه فرموده‏اند فراموش شده و متابعت شخصی مثل ایشان از این رژیم‏ بنده را بی‏نهایت نسبت باتیه مأیوس می‏نماید.چقدر فرق است که اگر مأموری ما یملک کسی را گرفت جرئت سخن نباشد تا ایام قرارداد که با آن‏ همه لیره‏ها و حبس‏ها و قتل‏های بدون محاکمه و تبعید رجال وطن‏پرست‏ باز در مردم رمقی بود که با قرارداد مخالفت نمایند.امروز نه تنها اوضاع‏ داخلی طرف مناسبت نیست.